

نکاتی چند در باره خانواده از دیدگاه قرآن

بقلم دکتر محمدرحمانی استاد دانشگاه

طی سلسله گفتارهای گذشته به مسائلی پیرامون نقش بانوان در سازندگی خانواده اشاره نمودیم و اینک بطور اختصار نتایج آنرا بر مبنای قرآن کریم و سنت رسول گرامی مورد بررسی قرار میدهیم.

۱- احکام و دستورات آسمانی در باره اصول بنیادی خانواده از قبیل ارث، زناشوئی، طلاق و وصیت بطور تفصیل در قرآن کریم بیان گردیده و به عنوان یک فریضه دینی مسلمانان را به پیروی از این احکام دعوت مینماید و این اصول یاد شده غیر قابل تغییر و در هر زمان و مکان بدون در نظر گرفتن اوضاع و احوال اجتماعی مسلمانان لازم الاجراء می باشد و اما احکام مربوط به کیفیت اداره امور زندگی و نظام جامعه که همواره دستخوش تغییر و تبدیل است به صورت قواعد کلی در کتاب آسمانی ما مسلمانان تشریح گردیده است و در حقیقت قرآن کریم آن مقدار که بروح زندگی خانوادگی بر اساس محبت و همزیستی مسالمت آمیز و رعایت اصول اخلاقی و فضائل انسانی حاکم بر محیط افراد خانواده توجه دارد به کیفیت و جنبه عملی و چگونگی تحقق آن اهمیت نشان نمیدهد مثلا از دیدگاه اسلام آنچه برای یک مرد و سرپرست خانواده ضروری و الزامی است فراهم آوردن وسائل رفاه و آسایش از مهر حلال در سطح امکانات مالی

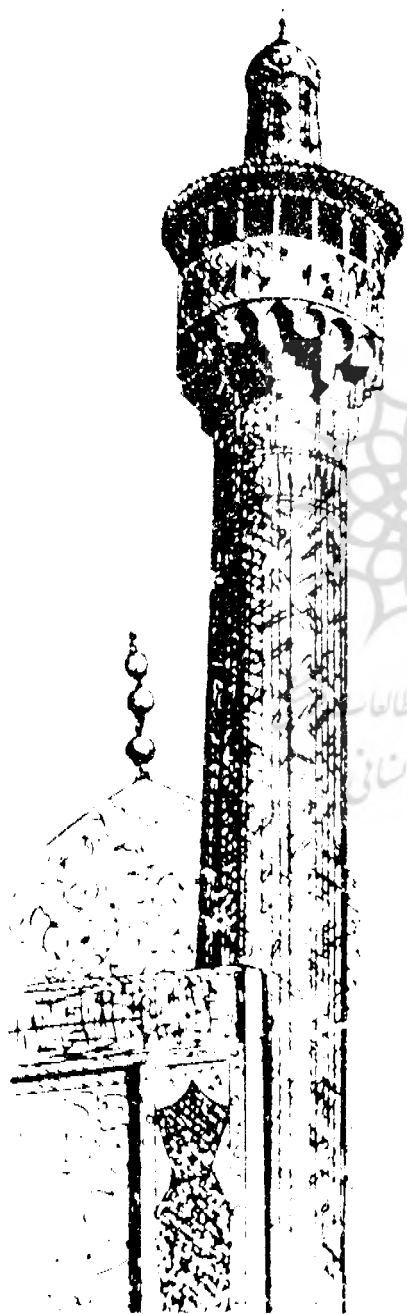
برای همسر و فرزندان و سایر افراد تحت تکفل خود می باشد ولی نوع این وسائل و ابزار تهیه آن بستگی به محیط و عصری دارد که آن خانواده در آن زیست مینمایند از قبیل نوع پوشاک و نوع غذا و نوع مسکن و غیره و همچنین است مسئله تجارت و بازرگانی که کیفیت آن به عامل زمان و مکان و تحولات و دگرگونی اوضاع اجتماعی بستگی دارد مثلا در داد و ستد و معاملات بازرگانی رباخواری به نص صریح قرآن تحریم شده است «احل الله البیع و حرم الرباء» (۱) بنابراین نمی توان به حکم تطور اوضاع اجتماعی عصر ما معاملات را که از طریق بانکها براساس ربا صورت می گیرد صحیح دانست و از این جهت ملاحظه می نمائیم که دولت انقلابی اسلام با توجه به احکام مشروح در کتب فقه اسلامی در صدد برآمده است که با تعدیل در نظامنامه معاملات بانکی رباخواری و نزول خواری را ریشه کن سازد و به معاملات بانکی کشور عزیزمان چهره واقعی اسلامی بدهد بهر حال از موضوع بحث خارج نشویم و احکام کلی خانواده را از دیدگاه اسلام دنبال نمائیم امید است که با گرفتن الهام از دستورات ارزنده قرآن کریم سعادت و نیکبختی و آمرزش و رستگاری را برای خود و فرزندان این آب و خاک تامین نمائیم و این

همان هدفی است که همه انبیاء و پیامبران و مصلحین بزرگ برای افراد جامعه بشری آرزو نموده اند.

۲- اسلام احکام و مقررات خانواده را به عقیده و والاترین درجات ایمان منوط و مرتبط گردانیده است، خداوند متعال در قرآن کریم چنین میگوید: «و لیس البران تولوا و جوهکم قبل المشرق و المغرب و لکن البرمن آمن بسالله و الیوم الاخر و الملائکه و الکتاب و النبین و آتی المال علی حبه ذوی القربی و الیتامی» (۲) یعنی عمل نیک و پسندیده آن نیست که چهره سوی مشرق و مغرب کنید - کنایه از ستایش و نیایش بدرگاه ایزدی است - بلکه کار خوب آن است که انسان به خدا و روز رستاخیز و فرشتگان و کتاب و پیامبران ایمان آورد و مال خود را با وجود دل بستگی به آن به خویشاوندان و یتیمان بدهد. ملاحظه می نمائیم که احسان نمودن به بستگان و درماندگان و نیازمندان تا درجه عبادت ستوده شده است و بدیهی است که زن و فرزند در مرتبه نخستین از اهمیت قرار دارد و انسان مومن باید وظیفه خود را نسبت برفع نیازمندیهای افراد خانواده خود به عنوان یک وظیفه دینی انجام دهد و خواستههای مشروع آنان را تا سرحد امکان برآورد و در حدیث رسول ختمی مرتبت آمده است که هرگاه مردی به هنگام بازگشت به خانه با

دانه خرمائی همسر خود را شادمان
کند خداوند بهشت را به او ارزانی
بخشد و این حدیث نمایانگر اهمیت
دادن اسلام به اداره شوون زندگی از
جانب مرد است و اینکه تکفل نفقه
اهل بیت و افراد خانواده نه تنها یک
وظیفه اجتماعی است بلکه به منزله
عبادت نیز می باشد بدین ترتیب
مشاهده میشود که اسلام عقیده و
ایمان به پروردگار را زیربنای زندگی
اجتماعی بشر قرار داده و شکستی
نیست که در چنین محیطی همه
افراد خانواده از کوچک و بزرگ از
نعمت آسایش روحی و رفاه جسمی
برخوردار می گردند و از سوی دیگر
بر خانواده با این خصائل هرگز روح
انانیت و تمرد بصورت پدرسالاری و
مدرسالاری و عصیان و سرپیچی بر
خانواده حکومت نخواهد کرد.

۳- در مقالات گذشته کرارا به
فلسفه ازدواج از نظر اسلام اشاره
کرده یادآور شدیم که حکمت بالغه
الهی بر این تعلق گرفته است که در
دفتر آفرینش زن را مقامی والاعتنایت
کند و او را رمز و سمبل عاطفه و
شمع فروزان کانون خانواده گرداند
در آنجا که می فرماید: «و من آیاتنه
ان خلق لکم من انفسکم ازواجالتسکناوا
الیها و جعل بینکم مودة و رحمة ان
فی ذلك لآیات لقوم یتفکرون» (۳)
یعنی از آیات و مواهب پروردگار
است که همسرانی از تیره خودتان
برای شما بیافرید تا آرامش و راحتی



خویش را در کنار آنان بیاید و رابطه میان شما را بر پایه الفت و مهر و دوستی بنیان نهاد این حکمت همسر-یابی پند و اندرز است برای آن مردمی که اندیشه کنند و در جهان امروز که عصر فضا نام دارد همه جامعه‌شناسان در جوامع مختلف بشری بسالاف اتفاق معتقدند که کانون زندگی هنگامی رشد طبیعی خود را طی می‌کند که از موهبت محبت و عاطفه اشباع گردد آنچنانکه جسم کودک هنگامی رشد طبیعی خواهد داشت که از نظر تغذیه احساس کمبود ننماید زن و مرد هر دو در حقوق زندگی خانوادگی یکسان و برابرند مگر آنچه را که باقتضای طبیعت آفرینش هر یک از آن دو تشریح شده باشد ولی به هر صورت اصل مساوات و حقوق متقابل در همه حال رعایت شده است بر زن است که از همسر خود اطاعت و پیروی کند و بر مرد است که هزینه زندگی او را تقبل و تکفل نماید و بر مرد واجب است که طرفیت حسن معاشرت و خوش رفتاری را رعایت کنند و چنانچه زن به عللی غیر معقول از اطاعت شوهر سر باز زند در این صورت مرد هم خود را مکلف به دادن نفقه نمی‌داند او چنانچه مرد از پرداخت هزینه زندگی زن خودداری کرد زن هم بنوبه خود می‌تواند از وی اطاعت نکند و همانگونه که نباید طفل شیرخوار را از دامن مادر دور ساخت زنم نباید مرد را

برای نگهداری فرزندش و گرفتن حق الزحمه برای دادن شیر تحت فشار قرار دهد ملاحظه می‌فرمائید که رعایت حقوق مرد و زن در خانواده دو جانبه است حال چنانچه مردمی یافت شوند که متاسفانه در اثر عدم اطلاع از احکام و مقررات اسلام بدین مسائل توجه کافی نمی‌کنند امری است خارج از چهارچوب مقررات اسلام و این نوع حکومت خانوادگی جز خودسری و غرور و خودستایی چیز دیگری نیست و اسلام با هرگونه تحکم و تکروی در مسائل مشترک خانوادگی شدیداً مخالف است و در اینجا باید گفت در نتیجه همین سوء معاشرت و عدم رعایت اصول و مقررات اسلام در امر خانواده عده‌ای کوتاه نظر یابندین به پاره‌ای از این احکام خرده گرفته‌اند مثلاً نفقه را يك امر ناپسند تلقی نموده به این گمان که مرد از این راه حکومت دیوان سالاری پیدا می‌کند و نفقه بصورت صدقه دادن و از باب ترحم تجلی مینماید و حال آنکه برعکس مرد با دادن نفقه زن را از کوشش و زحمت طاقت فرسای امر معاش در امان می‌دارد و چون باغبانی گل لطیف و خوشبوی خود را تیمار می‌کند و از او مراقبت به عمل می‌آورد پس دیوان سالاری با نظارت و سرپرستی و انفاق و تقبل هزینه زندگی با صدقه دادن و ترحم کردن فرق و تفاوت بسیار است بسیاری اسلام حتی در

مسائل مادی زندگی به فضائل اخلاقی و خصائل حمیده انسانی توجه خاص نشان می‌دهد و همان گونه که خاطر نشان نمودیم بروح زندگی اهمیت می‌دهد نه به کیفیت آن و قرآن کریم مرز و حریم خانواده را محترم می‌شمارد و مسلمانان را در تجاوز به حریم خانواده برحذر می‌دارد و می‌فرماید «تلك حدود الله و من يتعد حدود الله فقد ظلم نفسه لا تدری لعل لاله یحدث بعد ذلك امرأ» (۴) آنچه از احکام خانواده برشمردیم حدود و مرز الهی است و هر کس از مرز الهی تجاوز کند بر خویشتن ستم روا داشته و تو نمی‌دانی باشد که خداوند از این پس گشایشی فرماید. و قرآن کریم افراد خانواده را به دوستی و محبت فیما بین و عفو و اغماض از اشتباهات یکدیگر دعوت نموده می‌فرماید «وان تعفوا اقرّب للتعوی ولا تنسوا الفضل بینکم». اگر عفو کنید آن به تقوی و پارسائی نزدیکتر است و از لطف به یکدیگر غفلت نورزید و بدیهی است چنانچه کسی نتوانست از راه موعظت و کف نفس وظیفه خود را نسبت به خانواده انجام دهد خواه مرد باشید خواه زن در این صورت برای احقاق حق مظلوم مقرراتی تشریح شده است که راه نجات و خلاصی از چنگال ظلم و ستم عنوان شده است و شاید مهم‌ترین فلسفه تجویز طلاق در اسلام همین امر باشد که

مرد یا زن در انجام وظائف مشترک زناشویی خود قصور یا تقصیر نمایند که در اینصورت نظر به حفظ نظام جامعه و جلوگیری از اشاعه فساد و تباهی در میان افراد راه علاج را ارائه داده است هر چند طلاق بدانه در اسلام امری ناپسند است و لسی بحکم ضرورت بقاء خانواده در محیطی بی‌آلایش و آرام طلاق بهترین داریوشفا بخش معرفی شده است نه وسیله اذعاب و تهدید و ایجاد نابسامانی در خانواده‌ها و سرگشتگی فرزندان و جگرگوشگان که باید از پی آمدهای جدائی بین پدر و مادرشان در رنج و عذاب و ناکامی بسر برند و از همین جا است که حضرت رسول اکرم در منمب و نکوهش طلاق می‌فرماید: «ابعض الاشیاء عندی الطلاق». منفورترین چیز در نزد من طلاق و جدائی است در پایان توفیق همه خانواده‌ها را در تبعیت از فرامین و تعالیم مقدس اسلام در راه تحکیم پایه‌های جامعه خوشبخت و درستکار خواهیم.

-
- ۱- سوره «البقره» آیه ۷۵.
 - ۲- سوره البقره، آیه ۱۷۷.
 - ۳- سوره النساء، آیه ۳.

